



جایگاه مردم در جمهوری اسلامی





بِسْمِ
اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيْمِ

جایگاه مردم در جمهوری اسلامی

چکیده سخنرانی در نشست

جنبش عدالتخواه دانشجویی

گفتاری از دکتر مرتضی فیروآبادی

◀ مدیرعامل بنیاد حیات

◀ معاون کمیته امداد امام خمینی (ره)

◀ دبیر اسبق جنبش عدالتخواه دانشجویی

تهیه شده در مرکز گام



مردم، همان مردمند!

نگاهی به نقش مردم در اداره حکومت

در طول زمان همواره ذیل مقبولیت و مشروعیت و اینکه آیا نظر مردم درست و یا غلط و باید به آن تن داد یا نه، بحث‌هایی صورت گرفته است. همین موضوع توجه ما را به مبانی نظری جایگاه مردم در نظام مقدس جمهوری اسلامی، جلب می‌کند. برای حصول نتیجه در این موضوع نیاز به اختصاص دادن زمان و مطالعه داریم. در این زمینه در بین علمای دینی هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. نظرات حضرت امام^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) یک‌گونه است نظرات سایر بزرگواران به شکلی دیگر عنوان می‌شود. **یک اشکال نظری در جامعه معتقد به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، عدم باور جدی به نقش مردم در جامعه است. منشأ این موضوع به ساختار پرورش سیاسی، مبانی فکری و... برمی‌گردد که باید با مطالعه دقیق اندیشه مقام معظم رهبری و حضرت امام مرتفع شود.**



عمدتاً دیدگاه‌های مختلفی که در این حوزه مطرح می‌شوند، شامل سه دسته هستند:

➡ **دیدگاه اول؛** کسانی هستند که برای نقش مردم، اهمیتی قائل نمی‌شوند. آنها معتقدند بهترین نظام، نظامی است که رهبری خودش بنشیند و رئیس‌جمهور و وزرا را مستقیماً انتخاب و همه تصمیمات را خودش بگیرد.

➡ **دیدگاه دوم؛** معتقد به دموکراسی غرب است و از مردم سالاری تا حد تجربه غرب انتظار دارد. در این دیدگاه به مسائلی که جامعه را در عین مردمی بودن، اسلامی می‌کند، توجهی نمی‌شود.

➡ **دیدگاه سوم؛** دیدگاه معیار ما از منظر مقام معظم رهبری ^(مدظله العالی) است که مبتنی بر نظر



حضرت امام^(ره) است. در این دیدگاه، تکیه و بنای اداره جامعه اسلامی بر مردم قرار دارد. یک رکن بدیهی و ضروری این است که پایداری هر جامعه و جریانی نیازمند به حضور مردمش است. خصوصاً اگر آنها افق‌های بزرگی پیش‌رو داشته باشند. مثلاً شما هر چه قدر قله‌ای را که قصد فتح کردن آن را دارید، سخت‌تر باشد نیاز به همراهان سخت‌کوش‌تری نیز خواهید داشت. **بالآخره بنای جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی از ابتدا یک نگاه جهانی بوده و قصد ما برپایی تمدن اسلامی در دنیا است. پس این مسیر نمی‌تواند فاصله‌اش با مردم زیاد باشد.** باید مردم پای کار این نظام باشند و پیوستگی بین نظام سیاسی و مردم برقرار شود. قوام جامعه به همراهی مردم احتیاج دارد. همه ما دیدیم که اگر مردم چیزی را

حکومت اسلامی

رسیدن
انسان‌ها
به سعادت

نخواهند، حتی اگر سنگ‌های ایدئولوژیک باشد،
توسط دشمن فتح خواهد شد.

نکته دوم که اهمیت بیشتری نیز دارد، به فلسفه
حکومت برمی‌گردد. فلسفه حکومت در **مقدمه قانون**
اساسی نوشته شده است. در این قسمت، **چکیده**
آنچه مدنظر نویسندگان قانون اساسی یا همان
بزرگان انقلاب از هدف تشکیل حکومت اسلامی بوده،
نوشته شده است. هدف تشکیل حکومت اسلامی،
رسیدن انسان‌ها به سعادت است. حکومت اسلامی
تشکیل می‌شود، تا زمینه را برای آنچه خداوند در عالم
برای رسیدن به بهشت قرار داده است، فراهم کند.
لذا اگر دنیا را به مثابه مزرعه آخرت تلقی می‌کنیم، در
ذیل یک نظام استکباری نمی‌توان به آن رسید. پس



باید حکومتی با همان نگاه دینی بنا شود. حال اگر بنا بر تشکیل چنین نظامی با این اهداف باشد، مگر می‌شود از ابزاری جزء خود مردم برای رسیدن به این هدف استفاده کند؟ مثل این است که شخصی با هلی‌کوپتر به بالای قله برده شود، سپس به او کوهنورد بگوییم. شخص باید خودش طی کننده مسیر باشد، تا بتوانیم این عنوان را به او بدهیم. لذا مردم، خودشان باید مسیر سعادت‌شان را طی کنند و در همه چیز آن از جمله اداره حکومت مشارکت داشته باشند. اگر زمینه مشارکت مردم، در حکومت فراهم نشود مردم امکان بهره‌مندی و جمع کردن توسعه آخرت را نخواهند داشت. تا اینجای بحث در خصوص کسانی بود که با حرکت تشکیل حکومت اسلامی موافق، اما با حضور مردم مخالف بودند.



اما برای اتکای جامعه به مردم، حکومت وظیفه دارد محیط جامعه را به یک محیط اخلاقی تبدیل کند تا مردم جامعه، نفوس عالم و... در معرض اخلاقیات باشند. در چنین جامعه‌ای است که انتخابات با رأی مردم جهت درست را شکل می‌دهد. تعبیر دیگر این بحث را می‌توان از صحبت‌های حضرت آقا (مدظله العالی) نیز برداشت کرد. با مثال می‌توان، این بحث را ملموس‌تر کرد. مثلاً زمانی که فرد بیمار می‌شود، به دنبال یک پزشک خوب می‌گردد، هنگامی که یک پزشک خوب پیدا نکند، درمان او را با اطمینان خاطر انجام می‌دهد.



اگر بخواهیم در مردم سالاری، انتخاب مردم درست و صحیح باشد و به مصلحت جامعه بینجامد باید مردم در معرض فضائل اخلاقی باشند. در چنین جامعه‌ای رأی مردم، انتخاب رئیس‌جمهور و... هیچ نگرانی‌ای ندارد و حتماً به مصلحت خود مردم است. اگر زمانی این معادله برهم بخورد، به سمت مسیری می‌رویم که قطعاً راه خیلی خوبی نیست.



شرایط کنونی کشور و نقش مردم.

در حال حاضر ما از ابعاد مختلف در حال گذراندن دوران سختی هستیم. یکی از مفیدترین بحث‌هایی که می‌توان انجام داد، نسبت مردم با وقایع اخیر است.

در چنین شرایطی اوضاع کشور به سه شیوه تحلیل می‌شود:

دسته اول؛ تحلیل‌های مخرب

دسته دوم؛ تحلیل‌های مخدر

دسته سوم؛ تحلیل‌های درست و محرک هستند.

تحلیل‌های مخرب، از نگاه‌های غرب‌گرایانه نشأت می‌گیرد. در این دیدگاه تنها مقطع کوچکی از تاریخ



انقلاب روایت می‌شود. در آن هم القاء می‌شود که هیچ اقدام مؤثری انجام نشده است و **تنها راه موجود برای حل مشکلات را هم توافق با آمریکا می‌دانند.** برای این کار حاضرند هر چیزی از جمله سرمایه خدادادی مثل نفت را به آنها بدهند، یا با ریختن بتن دسترنج ساعت‌ها کار و تلاش دانشمندان را به باد دهند. تا آمریکا روی خوش به ایران نشان دهد و در ایران شروع به سرمایه‌گذاری کنند. دنیای مطلوب این گروه، دنیایی وابسته است. دنیایی که در آن غول‌های اقتصادی در کشور شما شروع به سرمایه‌گذاری بکنند. چیزی مانند مالزی و تایوان. این گروه چنین چیزی را پیشرفت دانسته و حاضرند هم در مقابل مستکبر خارجی و هم مستکبر داخلی



سر خم کنند. در نظر صاحبان این تحلیل، آمریکا دشمن نیست. آنها مبدأً مخاصمه ما با آمریکا را از انقلاب اسلامی می‌دانند و کودتای ۲۸ مرداد، صنعت ملی شدن نفت و... را فراموش کردند. در تاریخ این دسته، مبارزات امثال میرزا کوچک خان‌ها و امثالهم نیست. و دشمنی ما با آمریکا را از زمان بالا رفتن از دیوار سفارت آنها می‌دانند.

نفوذ این دیدگاه از سال ۱۳۸۵ در اقتصاد ما تاکنون هست و هیچ گزینه‌ای جزء سازش با آمریکا روی میز ندارند. این گروه، این روزهای جبهه مقاومت را تلخ می‌دانند و نمی‌خواهد بپذیرد همه آنچه که از سوی استکبار در حال رخ دادن است، واکنش آنها به کنش‌های کسانی است که برنامه استکبار جهانی



را در منطقه برهم زده‌اند. در مقابل مستکبر داخلی هم هیچ زمانی، صحبتی ندارند. مثلاً هیچ وقت از پدیده بانک آینده حرفی به میان نمی‌آورند. ویژگی این گروه به‌طور خلاصه سر خم کردن در مقابل مستکبر داخلی و خارجی است.

تحلیل‌های مخدر، همان‌طور که از اسم‌شان مشخص است **باعث سست شدن، بی‌خیال شدن و از میدان خارج شدن آدم‌ها می‌شود. این دیدگاه در مقابل ضعف‌ها دو برخورد دارد. یا آنها را انکار و یا کوچک می‌انگارد.** یا می‌گویند شما آسوده باشید، مسئولین مشکلات را حل خواهند کرد. **مهم‌ترین خطر این دیدگاه خروج مردم، از صحنه است.** زیرا، یا صورت مسئله را پاک می‌کند و یا آن را به اتاق‌های

بسته مسئولین حواله می‌دهند. این درحالیست که بزرگان ما در جمهوری اسلامی، سخت‌ترین مسئله کشور که آن‌هم جنگ بوده‌است را با مردم پیش بردند. در جنگ همه مردم احساس می‌کردند در مسئله‌ای که به وجود آمده مسئول هستند و باید در حل آن مشارکت کنند.

مثال دیگری که می‌توانیم در این حوزه بزنیم، جمع کردن فتنه ۸۸ به دست مردم در تجمعات نه دی همان سال است. در آن سال مقام معظم رهبری با سخنرانی‌های مکرر مردم را قانع کرده و به میدان آوردند.

ما در حال حاضر به‌طور سیستماتیک در مسئله اقتصاد و حتی در مسائل منطقه با غلبه این نگاه مردم از صحنه خارج می‌شوند. یا اقرار بر عدم مشکل می‌کنند. یا می‌گویند مسائل تخصصی است و مردم از پس فهم آن بر نمی‌آیند.

بسیاری از مسائل کشور ما از جنس نظامی و امنیتی نیست. بلکه می‌تواند شکل عمومی و اجتماعی پیدا بکند. درخصوص تخصص‌گرایی، بالأخره در



کشور ما یک سلسله خواصی وجود دارند که آگاهی آنها نسبت به مسائل بیشتر است. **یکی از اصول مهم مردم سالاری، گرایش به حداکثر سازی خواص و ارتقای عمومی بصیرت است.** یعنی، تا آنجایی که می شود مردم از مسائل موجود در کشور آگاه شوند و بتوانند تشخیص بدهند. چیزی که مردم در همه صحنه های انقلاب آن را نشان دادند. در دیدگاه مخدرها باید نگران از بین رفتن زمینه مشارکت مردم از حیث گفتمانی و اجتماعی باشیم.

برای حل این معضل باید مسائل و مشکلات کشور را به طور سلسله وار، به مردم وصل بکنیم. مثلاً اگر به رشد اقتصادی هشت درصد نیاز داریم، یا جریان اشتغال در کشور، ضعیف است و... باید کسانی در

کشور مسئول تبیین و وصل کردن این مشکلات به مردم باشند. زمانی ما به رشد ۸ درصد می‌رسیم که این به مطالبه، خواسته و گفتمان عمومی در سطح کشور تبدیل بشود. نه اینکه عده‌ای در اتاقی بسته شروع به تصمیم‌گیری و برنامه ریزی کنند. ما باید سعی کنیم از تحلیل‌های مخدر فاصله بگیریم و فاصله زندگی مردم را به تحلیل‌های منطقی نزدیک کنیم.

یکی از کارهای مهمی که جنبش دانشجویی، به‌عنوان خواص می‌تواند در جامعه انجام دهد، این است که توجه و تمرکز مردم را به سرخط اصلی مسائل کشور برگرداند.

حرف اصلی ما به میدان آوردن مردم در مسائل مهم کشور و مبارزه با تحلیل‌های مخدری است که امید کاذب برای مردم ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر امید ایجاد می‌کنند که مردم بدون مشارکت و حرکت منتظر حل مشکلات باشند.

در عین حال ما برای اینکه مردم بتوانند در اداره کشور مشارکت و حضور داشته باشند، نیاز به

ساختارسازی‌های متناسب داریم. در جنگ تحمیلی مردم مشارکت کردند چون با ابزار پایگاه‌های بسیج و مساجد به جبهه متصل می‌شدند. از اعزام نیرو تا ارسال کالا روش و ابزار داشت. لیکن ما به‌طورساختاری برای مشارکت مردم در اقتصاد و... ابزارسازی نکردیم. حتی در مسئله گفتمانی و مطالبه‌گری مردم، نوآوری ساختاری و نهادی نداشتیم و مشارکت مردم را تنها در راهپیمایی‌ها و صندوق‌های رأی خلاصه می‌کنیم. ابزارسازی و ایجاد سازوکارها، رویه‌ها و نوآوری‌های نهادی برای مشارکت مردم خیلی مهم است. ما زمانی که از مشارکت مردم صحبت می‌کنیم، صرفاً مشارکت مالی آنها مدنظر نیست. بلکه ظرفیت فکر و نوآوری آنها اهمیت خیلی بیشتری دارد.